

## دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقاله حاضر در تاریخ ۹ آبان ۱۴۰۲ پذیرفته شده است و در دوره ۱۱، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) منتشر خواهد شد.

DOI: 10.22034/JCLC.2023.392798.1842

### تاثیر مدیریت گرایي كیفري بر سياست جنایي قضایي كشور ( با تاكيد بر مجازات های جایگزین حبس): چالش ها و فرصت ها

- ۱- سيد عليرضا ميركمالي، استاديار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشكده حقوق، دانشگاه شهيد بهشتی، تهران، ايران، [sarmirkamali54@gmail.com](mailto:sarmirkamali54@gmail.com)
- ۲- نازنين حاجی زاده، دانشجوي دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشكده حقوق، دانشگاه شهيد بهشتی، تهران، ايران، [h.nazanin21@yahoo.com](mailto:h.nazanin21@yahoo.com)
- ۳- عليرضا عبدالملکی (نويسنده مسؤل)، دانشجوي دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشكده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ايران، [alireza.drab@gmail.com](mailto:alireza.drab@gmail.com)

### چکیده:

اخيراً مفاهيمی تحت عنوان مدیریت گرایي كیفري در نظام عدالت كیفري كشور ما رواج یافته این اصطلاح به روش‌هایی اشاره دارد که با استفاده بهینه از منابع مادی و انسانی، نظام عدالت كیفري را کارآمدتر و مفیدتر ساخته و در برابر عموم پاسخگو می‌نماید. از جمله راهکارها و نتایج استفاده از این سیستم، رواج سياست کمی گرایي در قوه قضائیه و همچنین پدیده عوام‌گرایی كیفري می‌باشد. در مقابل بر اساس آمار، تعداد زندانیان كشور در سال ۱۳۹۶، ۲۸۹/۳۷۷ نفر بوده است که از این تعداد فقط در خصوص ۳۲/۰۳۳ نفر مجازات های جایگزین حبس اعمال گردیده است؛ بنابراین، در سياست جنایي قضایي كشور تنها در خصوص ۸/۵ درصد از محکومیت های حبس، مجازات های جایگزین حبس اعمال گردیده که اغلب همین موارد اندک نیز منحصر به جزای نقدی جایگزین حبس می‌باشد و سایر مجازات های جایگزین حبس تقریباً مطرود باقی مانده‌اند. سؤال اصلی مطرح شده این است

که چالش‌ها و فرصت‌های مطرح در بستر مدیریت گرایي کيفري در تمايل سياست جنایي قضایي کشور به مجازات‌های جایگزین حبس چیست؟ از این رو، در این پژوهش با استفاده از روش توصيفي - تحلیلي و گردآوری داده‌ها با بررسی منابع کتابخانه‌ای و همچنین رویه قضایي، این موارد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و دستاوردهای پژوهش شامل: مشخص نمودن آثار مدیریت گرایي کيفري بر سياست جنایي قضایي کشور در حیطه‌ی استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و نیز تبیین چالش‌ها و پرداختن به زمینه فرصت‌هایی برای برون رفت از چالش‌های موجود در این خصوص می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سياست جنایي قضایي، مدیریت گرایي، عوام‌گرایي کيفري، آمارگرایي.

## مقدمه:

در سال‌های اخیر نگرش تازه‌ای را در حوزه علوم جنایي شاهد هستیم که ماهیت آنها کاملاً مدیریتی است. دیدگاه‌های تازه که به جای بحث از تجزیه و تحلیل جرم و علل تحقق آن، با رویکردی مدیریتی، خطر ارتکاب جرم را همانند دیگر خطرهای حوزه اقتصادی، بیمه و... مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و آنگاه مدیریت می‌کند.<sup>1</sup> از جمله مهم‌ترین دلایل بروز و شیوع الگوی مدیریت گرایي در نظام

---

<sup>1</sup> Eugene Mellaughin , John Muncie, The Sage Dictionary of Criminology (Sage Publications, 2001),251.

عدالت کیفری، تشدید فشارهای ناشی از وقفه و انسداد به دلیل ناکارایی نظام‌های قضایی در کنترل جرم و جلب اعتماد عمومی، افزایش آمار جرم و ترس از جرم، اطاله دادرسی، هزینه‌های غیرمعارف رسیدگی‌های کیفری را می‌توان نام برد. در این راستا و با اعمال برنامه‌های نظام مدیریتی در نظام عدالت کیفری، شاهد بروز نتایجی از قبیل، تأکید بر سیستم آمارگرایی در مجموعه نظام قضایی کشور و استفاده از عوام‌گرایی کیفری جهت جلوگیری از متهم نشدن به سهل‌انگاری در امر مبارزه با جرایم، هستیم. به نحو خاص، اعمال این سیستم چالش‌هایی را برای سیاست‌جنایی قضایی کشور در میزان تمایل قضات دادگاه‌های کیفری در استفاده از انواع مجازات‌های حبس مطرح در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و حتی انتخاب نوع خاصی از این مجازات‌ها، به همراه داشته است که از جمله آنها، می‌توان به غلبه تفکرات سخت‌گیرانه و حبس محور، تحدیش اصل استقلال قاضی، افزایش سرعت و کاهش دقت در رسیدگی‌های کیفری و عدم توجه به رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها در حیطه مجازات‌های جایگزین حبس اشاره نمود.

با نگاهی به نیمه‌پر لیوان، می‌توان از فرصت‌های حاکمیت نظام مدیریت گرای کیفری بر سیاست جنایی قضایی کشور نهایت بهره را برد. از جمله این فرصت‌ها، می‌توان به کاربست نهادهای عدالت‌ترمیمی و مشارکت مردمی در مجموعه نظام عدالت کیفری و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها در این مسیر اشاره نمود. تاکنون مطالعاتی دربارهٔ مجازات‌های جایگزین حبس و مدیریت گرای کیفری و تأثیرات آن‌ها بر سیاست جنایی کشورها به خصوص کشور عزیزمان ایران و چالش‌هایی که در این خصوص وجود دارد صورت گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری با تأکید بر حقوق ایران» به قلم راضیه قاسمی کهریزسنگی و محمد فرجیها اشاره داشت که در این مقاله با تعمق در پیامدها و جلوه‌های مدیریت گرای به چالش عدالت و کارایی در عرصهٔ مداخلات کیفری پرداخته و به ترسیم ابعاد نظری و عملی چالش مذکور در نظام‌های قضایی با تکیه بر روش تحلیل اسناد و قوانین موجود بدان می‌پردازد که نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تأکید بر افزایش خروجی‌ها، مختومه محوری و آمارگرایی که بارزترین نمادهای کارایی اند، هرچند در ظاهر منجر به افزایش تعداد پرونده‌های بسته شده است، افزایش دقت و کیفیت در رسیدگی‌های قضایی را به دست نداده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش حاضر در این است که ما هنگامی که رواج پدیده‌ی عوام‌گرایی را به عنوان یکی از آثار مدیریت گرای کیفری بر سیاست جنایی قضایی به خصوص در حیطه‌ی مجازات‌های جایگزین حبس بررسی می‌کنیم چالش‌های بیش‌تر و کلی‌تری را در این خصوص تبیین کرده‌ایم. و نیز می‌توان به مقاله «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس» به قلم داود خاکسار و دکتر حسین غلامی اشاره داشت که در این مقاله چگونگی اثرپذیری سیاست جنایی قضایی از

سیاست جنایی تقنینی با تحلیل آرای به دست آمده روشن شده و پژوهشی کاربردی ارائه شده و یافته های حاصل از این تحقیق بیانگر آن هستند که در حال حاضر سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس، فاصله معناداری از سیاست جنایی تقنینی دارد؛ تنها در ۵/۶ درصد از تمام پرونده هایی که امکان دریافت جایگزین حبس را دارند، چنین واکنش هایی اعمال می شود که این موارد در پژوهش ما به روشنی بیان شده و با این تفاوت که ما در این پژوهش به طور کلی به تأثیر مدیریت گرای کیفری بر سیاست جنایی قضایی کشور با تأکید بر مجازات های جایگزین حبس پرداخته ایم. با توجه به این که در مقاله ی ما تأثیر یک پدیده بر پدیده ی دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است باید به طور طبیعی هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی مورد توجه قرار گیرد ولی از آن جا که در پژوهش «مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات های جایگزین در پیشگیری از جرم» به تأثیرات مثبت مجازات های جایگزین حبس از طریق مقایسه نتایج این نوع از مجازات ها با مجازات حبس پرداخته شده است و نتایج این تحقیق نشان می دهد مجازات های جایگزین در پیشگیری و اصلاح مجرمین نسبت به مجازات حبس مؤثرتر می باشند به همین دلیل در پژوهش حاضر از اطاله ی کلام در این خصوص خودداری کرده و ابتدا با بررسی مفهوم سازی نظری از «مدیریت گرای کیفری»، «سیاست جنایی قضایی» و «مجازات های جایگزین حبس» به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آثار مدیریت گرای کیفری بر سیاست جنایی قضایی در خصوص مجازات های جایگزین حبس چیست؟ در بخش بعد چالش هایی که در بستر مدیریت گرای در تمایل سیاست جنایی قضایی کشور به مجازات جایگزین حبس به وجود آمده را تبیین کرده ایم و در نهایت در بخش آخر با نگاهی مثبت اندیشانه در حیطه گرایش سیاست جنایی قضایی کشور به مجازات های جایگزین حبس در بستر نظام مدیریت گرای کیفری زمینه فرصت هایی را که در راستای گرایش حداکثری قضات به استفاده از این مجازات ها می تواند تأثیرگذار باشد، پرداخته ایم.

## ۱ مفاهیم و تعاریف

اصولاً جهت آشنایی و ورود به یک مبحث کلی، ابتدا بایستی مفاهیم و اصطلاحات به کاررفته در آن پژوهش برای مخاطبان شرح و توضیح داده شود. در این پژوهش نیز، راه معمول همین بوده و به

پیروی از این شیوه پسندیده، در این مبحث جهت آشنایی مقدماتی با موضوع اصلی پژوهش، ابتدا به مفهوم شناسی و شناخت مفهوم اصطلاحات پژوهش، از جمله شامل مفهوم «مدیریت گرای کیفری»، «سیاست جنایی قضایی» و «مجازات های جایگزین حبس» پرداخته می شود.

## ۱-۱ مدیریت گرای کیفری

مفهوم «مدیریت گرای<sup>۲</sup>» به روش های اشاره دارد که نظام عدالت کیفری را کارآمدتر و مفیدتر می سازد و در برابر عموم پاسخگوتر می نماید تا به زعم خود از منابع مادی و انسانی استفاده بهینه نماید. این رهیافت ناشی از افول ایده «اصلاح و درمان<sup>۳</sup>» و احیای «ناتوان سازی<sup>۴</sup>» با تغییر نگرش نسبت به افراد فرودست جامعه همراه بوده است<sup>۵</sup> به زعم برخی، راهبرد مدیریت گرای، ابزاری مفید و مناسب برای دستیابی به اهداف عالی عدالت است به نحوی که آن ابزار و وسیله ای برای عقلانی سازی عدالت با اتکا به اصول مدیریت و اقتصاد در اداره دادگاه ها توصیف می کنند<sup>۶</sup>. رویکرد مدیریت گرای، رویکردهای کم هزینه و زودبازده را جایگزین رویکردهای هزینه بر و زمان بر و دیربازده می نماید و به همین روی، نظام عدالت کیفری، کارایی و اثربخشی اقدامات خود را در طرح های ضربتی، آمار بالای پرونده های کیفری و سرعت در دادرسی و افزایش شمار مجرمان به دام افتاده، خلاصه می کند تا از طریق کمیت و آمار عملکرد خود را مطلوب و مناسب جلوه دهد. نظام عدالت کیفری مبتنی بر این رویکرد، به یک نهاد اقتصادگرا تبدیل شده و اولویت اصلی آن، اداره مؤثر و کارآمد این نظام است. گزارش های مبتنی بر شیوه های مدیریتی نهادهای عدالت کیفری سرشار از صورت انگاشت ها، نمودارها، ارزیابی های فنی و مقیاس های اثربخشی است اما در عمل فقط حاوی مطالب کمی و آمار است<sup>۷</sup>. بر همین اساس، مدیریت گرای کیفری<sup>۸</sup> عبارت است از افزایش کارایی و کاهش هزینه های ناشی از رسیدگی کیفری و نهایتاً حرکت به سمت تمرکززدایی، خصوصی سازی، پردازش محوری و افزایش اثربخشی<sup>۹</sup>.

<sup>2</sup> Managerialism

<sup>3</sup> The Correction and Treatment of Delinquents

<sup>4</sup> Incapacitation

<sup>۵</sup> امیر پاک نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار (چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸)، ۱۱۷.

<sup>6</sup> Darryl K Brown, The reverse effects of efficiency in criminal process (Virginia Law Review, Vol. 100 Virginia Law Review, Vol. 100 No.183.2014), 114.

<sup>۷</sup> جان پرت، عوام گرای کیفری، بسترها، عوامل و آثار، برگردان هانیبه هژبرالساداتی (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۱۵۲.

<sup>8</sup> Penal managerialism

<sup>۹</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری، آموزه های حقوق کیفری (شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۳۰.

در ایران، طرح‌های ضربتی نیروی انتظامی در مواردی همانند طرح عفاف و حجاب، دستگیری فروشندگان مواد مخدر و زور گیران و نیز پیش‌بینی و صدور تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در دستگاه قضایی مبنی بر تعیین کف و حداقل تعداد پرونده‌های رسیدگی شده ماهانه برای شعبه‌های کیفری اعم از دادسرا و دادگاه کیفری و تعیین بهره‌وری برای قضاتی که مازاد بر این کف در ماه، پرونده‌هایی را به نتیجه و سرانجام رسانده‌اند، همه در راستای رویکرد مدیریت‌گرایی و اهمیت نگرش کمی به عوض کیفیت رسیدگی است.<sup>۱۰</sup>

## ۱-۲ سیاست جنایی قضایی

در سال ۱۹۸۳ خانم دلماس مارتی<sup>۱۱</sup> در کتاب «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی»<sup>۱۲</sup> مراد از سیاست جنایی را «مجموعه روش‌هایی که هیأت (پیکر) اجتماع با توسل به آن‌ها، پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد»<sup>۱۳</sup>، دانست. سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق، در تصمیم‌ها و عملکردهای دادگاه‌ها منعکس است. پس از آن که قانون‌گذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین پیاده کرد، این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آن‌هاست<sup>۱۴</sup> به بیان دیگر، سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی آن‌طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد.

بر این اساس نحوه دریافت و برداشت مقام‌های قضائی از مقررات سیاست جنائی تقنینی<sup>۱۵</sup> را می‌توان سیاست جنائی قضائی<sup>۱۶</sup> نامید. به عبارت دیگر سیاست جنائی قضائی به معنای مضیق آن یعنی سیاست جنائی‌ای که در تصمیم‌ها و عملکردهای دادگاه‌های دادگستری منعکس و مندرج است. مع‌الوصف

---

<sup>۱۰</sup> سعید قماش، انور احمدی، بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری (فصلنامه تحقیقات حقوقی)، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۷، ۳۱.

<sup>۱۱</sup> Mireille Delmas- Marty

<sup>۱۲</sup> Mode\les Et Mouvements de Politique Criminella

<sup>۱۳</sup> Mireille Delmas Marty, Mode\les. Et Mouvements de Politique (Criminella. Economica, 1983), 256.

<sup>۱۴</sup> جلال الدین قیاسی، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی (چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵)، ۲۹.

<sup>۱۵</sup> legislative criminal policy

<sup>۱۶</sup> Judicial criminal policy

سابقه قضائی و نحوه نگرش قضات نسبت به قوانین و مقررات می‌تواند آنها را در مواردی از مقصود قانون‌گذار، کاملاً دور ساخته و به سمت اتخاذ و اعمال سیاست جنایی بدیعی یعنی سیاست جنایی قضائی سوق دهد.

### ۳-۱ مجازات‌های جایگزین حبس

در تعریف این نوع از مجازات‌ها باید گفت: مجازات‌های جایگزین حبس<sup>۱۷</sup> مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت‌اجراهای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و ناضروری است، بکار گرفته می‌شود. به بیانی دیگر جایگزین‌های کیفری سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شود. با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد<sup>۱۸</sup>. بنابراین منظور از مجازات‌های جایگزین حبس، مجموعه‌ای از واکنش‌های جزایی است که می‌توانند جایگزین مجازات حبس شوند. در برخی تعابیر، مجازات‌های اجتماعی و جایگزین حبس به نحو مترادف و به جای یکدیگر استعمال شده‌اند. با این وجود، این کاربرد از انطباق این دو حکایت نمی‌کند، زیرا مجازات اجتماعی صرفاً شامل واکنش محدودکننده آزادی می‌شود، اما مجازات جایگزین حبس، علاوه بر آن شامل مجازاتی می‌شود که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیست<sup>۱۹</sup>. بر این اساس مقصود از مجازات‌های جایگزین حبس در این پژوهش، همان پنج نوع مجازات احصا گردیده در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس می‌باشد.

---

<sup>17</sup> Alternative sentences to imprisonment

<sup>18</sup> ژان ابول اسال، جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۹)، ۵۴۰.

<sup>19</sup> جواد ریاحی، مبانی مجازات‌های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام، رساله دکتری (تهران: پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲)، ۴۳.

## ۲ آثار مدیریت گرای کیفری بر سیاست جنایی قضایی در خصوص مجازات های جایگزین حبس

برخی نظریه پردازان با پایبندی به مفهوم سنتی عدالت، اعتقادی راسخ به تعارض کارایی و عدالت دارند و از این رهگذر به نقد سرسختانه آموزه های مدیریت گرای در حیطه حقوق کیفری می پردازند. برای مثال، برخی نویسندگان بر این باورند که یکی از ضررهای بالقوه مدیریت گرای خدشه جدی بر حق دادرسی عادلانه<sup>۲۰</sup> است که خود نوعی عدالت ستیزی است، چرا که اهداف اثربخشی، کارایی و صرفه جویی، نافی عدالت ماهوی است. از نظر اینان، زبان مبهم و دست و پا شکسته مدیریت گرای، به سادگی می تواند مفاهیم پایه ای نظام عدالت کیفری را نادیده بگیرد. آنجا که مفاهیمی همچون معامله اتهام<sup>۲۱</sup> رواج می یابد، عقلانیت آن را فقط باید در زبان مدیریت گرای یافت نه در دکترین یا تئوری حقوقی. با اینکه بهبود خدمات دهی در حوزه عمومی با وجود منابع محدود، امری مطلوب است، در حوزه عدالت کیفری که هدف اصلی، مجازات مجرم و تبرئه بی گناه است افزایش کارایی به هیچ عنوان هدف عالی این مجموعه تلقی نمی گردد.<sup>۲۲</sup> با این اوصاف، نظام مدیریت گرای کیفری دارای آثاری بر سیاست جنایی قضایی کشور به خصوص در حیطه مجازات های جایگزین حبس بوده است که از جمله می توان به رواج پدیده عوام گرای کیفری و حاکمیت سیاست کمی گرای در قوه قضائیه اشاره نمود که این آثار، به نوبه خود موجب چالش ها و آثار غیرمستقیمی نیز بوده اند که در این قسمت مفصلاً تشریح می گردد.

### ۲-۱ رواج پدیده عوام گرای کیفری

نشانه های اولیه بحث عوام گرای در حیطه حقوق کیفری،<sup>۲۳</sup> از دهه ۱۹۷۰ به بعد ظهور و بروز یافت. در این دوران، سیاست گذاران با توجه به ناکارآمدی الگوهای اصلاحی-درمانی<sup>۲۴</sup> کیفر در برابر نرخ تکرار جرایم، سخت گیری کیفری را چاره کاهش احساس ناامنی و بی اعتمادی مردم دانستند.<sup>۲۵</sup> به اعتقاد باتمز<sup>۲۶</sup> اکثر سیاستمداران با استناد به اینکه عموم مردم رویکرد سخت گیرانه دارند، گرایش به شدت عمل کیفری دارند. در صورتی که ممکن است نظر مردم این گونه نباشد و تنها از آن جهت که

<sup>20</sup> Fair Trial

<sup>21</sup> Plea Bargaining

<sup>22</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری (آموزه های حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۳۲.

<sup>23</sup> Penal populism

<sup>24</sup> Rehabilitation

<sup>25</sup> ژرژ پیکا، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، ۴۵.

<sup>26</sup> Bottoms



رویکردهای سخت گیرانه در راستای اهداف سیاستمداران است، آن‌ها وانمود کنند که چنین واکنش‌هایی خواست عموم مردم است.<sup>۲۷</sup> البته برخی از جرایم، به دلیل پوشش رسانه‌ای و حساسیت گسترده در بین مردم، بیشتر از سایر حوزه‌ها مستعد پذیرش عوام‌گرایی در سیاست کیفری می‌باشد که از جمله این جرایم می‌توان به جرایم نوجوانان، جرایم جنسی و جرایم مواد مخدر اشاره نمود.<sup>۲۸</sup> بر این اساس عوام‌گرایی کیفری<sup>۲۹</sup> هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری<sup>۳۰</sup> برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرایم<sup>۳۱</sup>، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به‌جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی<sup>۳۲</sup> و رسانه‌های گروهی<sup>۳۳</sup> عموماً به نشان دادن شدت عمل بیش‌تری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند.<sup>۳۴</sup> افزایش ترس<sup>۳۵</sup> و ناامنی در نتیجه بازنمایی رسانه‌ای جرایم، سیاسی شدن جرم، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاحی درمانی و روی‌گردانی دولت‌ها از الگوهای رفاهی به‌عنوان عوامل اصلی ظهور عوام‌گرایی کیفری به شمار می‌آیند.<sup>۳۶</sup> با این اوصاف مراد از عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که در آن سیاست‌گذاران و دیگر مقام‌های نظام عدالت کیفری تلاش می‌کنند جهت کسب مقبولیت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا کنند که مطابق و همسو با دیدگاه‌های عامه مردم است و دستاوردهای علمی در مورد میزان کارآمدی و اثربخشی برنامه‌ها و نظرات کارشناسان مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد.<sup>۳۷</sup> در مقابل این اصطلاح، اصطلاح دیگری تحت عنوان «سیاست کیفری

<sup>27</sup> A. E. Bottoms, The philosophy and politics of punishment and sentencing. In: Clarkson, C. and Morgan, R. (Eds). The politics of sentencing reform (Oxford: Clarendon Press, 1995), 123.

<sup>28</sup> وی رابرتز، جولیان و دیگران، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی؛ درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه زینب باقری نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیه هژبر الساداتی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۶۳.

<sup>29</sup> Penal populism

<sup>30</sup> Criminal justice system

<sup>31</sup> Crime rate

<sup>32</sup> public opinions

<sup>33</sup> Mass media

<sup>34</sup> حسین حسینی، لیدا اسمعیل زاده، جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی (فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴)، ۲۰۲.

<sup>35</sup> Fear of crime

<sup>36</sup> محمد فرجیها و محمدباقر مقدسی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان (مجله آموزه‌های حقوقی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ۵.

<sup>37</sup> محمد فرجیها و محمدباقر مقدسی، پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی (دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)، ۱۱۷۵.

پوپولیستی یا عوام‌گرا» قرار دارد. سیاست کیفری عوام‌گرا که در بستر وجود عواملی همچون رسانه‌های شدن جرم، افزایش ترس و ناامنی، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاح و درمان و تشدید رقابت‌های انتخاباتی ظهور می‌یابد<sup>۳۸</sup> که با کنار زدن گفتمان‌های نخبه‌گرا بر لزوم مداخلت افکار عمومی و عوام در کلیه مراحل سیاست جنایی و اجرای راهبردهای آن تأکید می‌کند. در واقع عوام‌گرایی فرایندی است که به موجب آن تأثیر گروه‌های طرفدار قانون و نظم و حقوق بزه دیدگان بیش از نخبگان و گروه‌های حقوق شهروندی بر سیاست‌های دولت است<sup>۳۹</sup>.

از جمله ویژگی‌های سیاست جنایی مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری می‌توان به تأثیرپذیری از فضای احساسی حاکم بر اجتماع، تأکید بر خواست مردم و شرایط زندگی اجتماعی اشاره نمود<sup>۴۰</sup>. نفوذ عوام‌گرایی کیفری در عرصه تصمیمات سیاست جنایی قضایی سبب می‌شود، سیاست زدگی اقدامات بر مؤثر و کارا بودن آن غلبه کرده و تأکید نمادین بر استفاده عملی و متناسب از انواع این مجازات‌ها، جایگزین شیوه‌های سنجیده و علمی شود. رواج اندیشه‌های عوام‌گرا در سیاست جنایی قضایی، موجب بروز آثاری از قبیل غلبه تفکرات سخت‌گیرانه و حبس محور، غلبه دغدغه تأمین نظم و امنیت جامعه، افزایش سرعت در رسیدگی‌های کیفری و همچنین عدم عنایت ویژه به کاربست اصل فردی کردن مجازات‌ها شده است که هر کدام از این آثار، تأثیرات غیرمستقیمی بر سیاست جنایی قضایی کشور در حیطه تمایل به استفاده قضات از مجازات‌های جایگزین حبس دارد که در این مبحث، به بررسی و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۱-۱ غلبه تفکرات سخت‌گیرانه و حبس محور

از اولین تفکرات حاکم بر تاریخ حقوق کیفری، پیشگیری کیفری<sup>۴۱</sup> از بزهکاری است. این پیشگیری، بر اساس اثری که بر همه شهروندان یا شماری از آنان (یعنی بزهکاران) می‌گذارد، به دو گونه پیشگیری واکنشی عام و خاص تقسیم می‌شود و بر فرضی مبتنی است که بزهکاران با حسابگری و منطوق و با اندیشه‌های آزاد مرتکب جرم می‌شوند<sup>۴۲</sup>. به دیگر سخن، بر پایه این دیدگاه، مجرمان با

<sup>۳۸</sup> محمدباقر مقدسی، محمد فرجیها، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی) (مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۰)، ۱۱۴.

<sup>۳۹</sup> J Prart, *Penal Populism* (London, Routledge, 2007), 35.

<sup>۴۰</sup> C Pfeiffer, M Windzio, and M Kleimann, Media use and its impacts on crime perception, sentencing attitudes and crime policy (*European Journal of Criminology*, 2(3), 2005), 261.

<sup>۴۱</sup> Penal Prevention

<sup>۴۲</sup> حسین غلامی، تکرار جرم (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲)، ۸۵.

رویگردی حسابگرانه و منطقی و پس از ارزیابی منفعت‌ها و زیان‌های بزهکاری به سراغ ارتکاب آن می‌روند<sup>۴۳</sup> بنابراین، تهدید احتمالی و واقعی ناشی از کیفر سبب می‌شود تا مجرمان احتمالی به دلیل مشاهده مجازات مرتکبان جرم و بزهکاران واقعی و به دلیل تجربه کیفر شدن و تحمل رنج و عذاب ناشی از آن، از ارتکاب بزهکاری منصرف شوند. بدین ترتیب، با استفاده از سازوکارها و ابزارهای نظام عدالت کیفری، مانند تهدید احتمالی و واقعی به کیفر، حتمیت، قطعیت و سرعت در فرآیند کیفری، می‌توان شهروندان را از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره بازداشت<sup>۴۴</sup>.

بر این اساس در عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران برای پاسخ‌گویی به رویدادهای پیش‌آمده از راه‌حل‌های ساده و مدیریت مقطعی مشکلات موجود در جامعه حمایت می‌کنند، از این‌رو سازوکارهای سخت‌گیرانه که نشانگر وحدت میان مردم عادی علیه مجرمان است، از مهم‌ترین تدابیر این رویکرد در مقابله با جرایم است<sup>۴۵</sup>. مستند ساختن مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه به مطالبات عمومی در حالی است که به دلیل عدم ارائه اطلاعات تخصصی و علمی به مردم، آن‌ها درک درستی از بسترهای زمینه ساز جرایم ندارند<sup>۴۶</sup>.

بررسی‌ها، ملاحظات و انعکاس انتظارات عموم و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی مبین این نکته است که با اکثر مجرمان صرف‌نظر از نوع جرم با اعمال مجازات حبس برخورد قانونی به عمل آید. حتی در برخی موارد ضابطان قوه قضاییه از عملکرد قضات اعلام نارضایتی می‌نمایند و به دستگاه قضایی انتقاد دارند که ما مجرمین را دستگیر می‌کنیم و آنان آزاد می‌کنند، آدم بد ما هستیم و آدم خوب آنان هستند<sup>۴۷</sup>. به عبارتی نگاه مردم به مقوله جزا نگاهی حبس محور است و اصولاً چنین توقعی از قضات دارند. هنوز در نگاه خیلی‌ها اگر یک قاضی در احکام خود حکم به حبس بدهد، کار کشته و اگر مجازات جایگزین را ابلاغ کند، ناوارد به حوزه کارش است، شبیه همان نگاهی که در

---

<sup>۴۳</sup> نسرين مهرا، کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری در انگلستان (مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵۰، ۱۳۸۶)، ۶۸.

<sup>۴۴</sup> منوچهر خزائی، فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷)، ۱۴۶.

<sup>۴۵</sup> J. S. Rosenberger, V. J. Callanan, The influence of media on penal attitudes (Criminal Justice Review, 36(4), 2011), 440.

<sup>۴۶</sup> حسین حسینی، لیدا اسمعیل زاده، جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، (فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴)، ۲۱۷.

<sup>۴۷</sup> سید محمود میرخلیلی و دیگران، «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، فصلنامه راهبرد (سال بیست و ششم، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۶)، ۱۰۴.

حوزه درمان وجود دارد که اگر پزشکی داروی زیاد تجویز کند حاذق و در غیر این صورت بی تجربه است.<sup>۴۸</sup> مجازات گرایی<sup>۴۹</sup> آحاد جامعه در تصمیم قضات نیز مؤثر می‌افتد و قضات جهت تسکین افکار عمومی و جلب رضایت آنان در مواردی دچار عوام‌گرایی کیفری<sup>۵۰</sup> می‌شوند و همسو با افکار عمومی نسبت به تعیین مجازات نوعاً حبس اقدام می‌کنند و این امر یکی از عوامل افزایش جمعیت کیفری زندان‌هاست. در این مسیر، لازم می‌نماید که رسانه‌ها، با آگاهی دهی و فرهنگ‌سازی مناسب در قالب برنامه‌های مختلف، بسترهای مناسب جهت تعدیل این افکار مجازات‌گرا و سزاگرایانه را در اذهان عمومی فراهم نمایند.

در این راستا یکی از ایرادهای اساسی که منتقدان عوام‌گرایی کیفری به سیاست‌های عوام‌پسند وارد می‌کنند بی‌توجهی به یافته‌های علمی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بر اساس ملاحظات عامه‌پسند و فاقد مبنای علمی است. این رویه به‌ویژه در مورد سیاست‌های کیفری که بلافاصله پس از وقوع جرم‌های خشونت‌بار و تحریک احساسات عمومی اتخاذ می‌شود، آشکارا دیده می‌شود. تجربه نشان داده که پس از وقوع حوادث جنایی مهم سیاست‌گذاران کیفری و مجریان قانون بر تدابیر سرکوبگرانه و از نگاه مردم راضی‌کننده تأکید می‌ورزند.<sup>۵۱</sup>

در حیطه سیاست جنایی قضایی و با تأثیرپذیری از این دیدگاه عوام، برخی از پژوهش‌هایی که درباره نگرش قضات به اهداف واکنش‌های جزایی انجام شده، حاکی از این است که گرایش به هدف‌ارعایی واکنش جزایی در میان قضات کشور ما بسیار زیاد بوده، یکی از مهم‌ترین اهدافی که قضات در تعیین واکنش جزایی مدنظر دارند، به خود اختصاص می‌دهد<sup>۵۲</sup> بنابراین بر نظر عده کثیری از قضات، هر چه مجازات، درد و رنج و مشقت کمتری را بر مجرم تحمیل کند، کارایی و مطلوبیت کمتری دارد و مورد اعتماد دادرسان نیز نمی‌باشد.

بررسی کمیت و کیفیت آراء در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس نشان می‌دهد که قوانین موجود فراتر از هوش علمی، معیارهای اخلاقی و میزان مسؤولیت‌پذیری اجتماعی قضات هستند. هنگامی که بدون توجه به آسیب‌های زندان به مجازات حبس حکم داده می‌شود و یا بدون توجه به

<sup>۴۸</sup> حسین میر محمد صادقی، روزنامه همشهری، ۹۵/۱/۲۴، قابل دسترسی در سایت؛

[www.newspaper.hamshahri.org/archive](http://www.newspaper.hamshahri.org/archive)

<sup>۴۹</sup> Punitiveism

<sup>۵۰</sup> Criminal populism

<sup>۵۱</sup> محمد فرجیها، محمدباقر مقدسی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان (مجله آموزه‌های حقوقی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ۷.

<sup>۵۲</sup> علیرضا مختاری، سنجش اهداف واکنش‌های جزایی در دادگاه‌های اصفهان و شیراز (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷)، ۶۹.

نوع جرم و شخصیت متهم حکم صادر گردد، مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی<sup>۵۳</sup> عینیت بیشتری پیدا می‌کند، بی‌تفاوتی از یکسو حاصل عدم آگاهی از آموزه های نوین جرم‌شناسی و کیفرشناسی است و از سوی دیگر نشانه فاصله گرفتن ساختارهای قوه قضائیه از بطن اجتماع است. بی‌تفاوتی نسبت به مجرم و تشدید آسیب‌ها با بد مجازات کردن یک معضل ایدئولوژیک، یک بحران اخلاقی، علمی و آموزشی است. این مشکل در ادامه گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی در ایران به قشر قضات نیز رسیده است، با این تفاوت که نتیجه این بی‌تفاوتی تنها کمک نکردن و بی‌تفاوت بودن به شخص آسیب‌دیده نیست بلکه پیامد آن تشدید آسیب و بحران است. بی‌تفاوتی اجتماعی یعنی عدم احساس مسؤولیت نسبت به سرنوشت متهم، عدم توجه به پیامدهای نوع مجازات انتخابی، عدم توجه به آموزه‌های نوین علمی، عدم توجه به معضلات اجتماعی و مشکلات مردم، بی‌تفاوتی اجتماعی یعنی وضعیت کنونی زندان‌های ایران! بی‌تفاوتی در این شکل آسیبی است مختص روابط انسانی (رابطه قاضی با متهم)، بی‌اعتنایی به احساسات و عواطف انسانی، فقدان همدلی و مشارکت اجتماعی، بی‌تفاوتی نسبت به هنجارها و رفتارهای ترویجی، فردگرایی نسبت به مسائل بیرونی، بی‌تفاوتی نسبت به علوم و آموزه‌های نو، بی‌اهمیت شدن سرنوشت انسان‌ها و ... . این وضعیت مختص جوامع و فرهنگ‌های در حال گذار است و بر اثر ضعف آموزش، ضعف تعلیم و تربیت، شهرنشینی، سرخوردگی و بی‌اعتمادی، روزمرگی و ... شکل می‌گیرد<sup>۵۴</sup>.

تغییر نگرش افکار عمومی جامعه به‌طور عام و قضات و وکلا و دست‌اندرکاران مرتبط با قضا و کیفر به‌طور خاص مبنی بر پرهیز از کیفر‌گرایی محض، چنانچه افکار حقوقی به سمت یافته‌های نوین جرم‌شناسی و کیفر‌شناسی که ۲۴۱۱ سال پیش امیرالمؤمنین علی (ع) این آموزه‌ها را مبنای سیاست جنایی قضائی اسلامی خود قرار داده بوده، هدایت نماییم، به وقوع پیوستن این رویداد بزرگ مستلزم پیوند بین دانشکده‌های حقوق و محاکم قضائی کیفری بوده تا از استحکام این پیوند، من بعد در دانشگاه‌ها به علوم جرم‌شناسی و کیفر‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی و آموزه‌ها و دستاوردهای جدید آنها اهمیت فراوانی داده، دانشجویان حقوق را به تفکر در فلسفه وجودی مجازات‌ها، حق بر مجازات نشدن و احترام به کرامت والای انسانی آموزشی داده تا روح آنها را از کیفر‌گرایی مطلق تلطیف نموده و افکار نوین اصلاحی و تربیتی را جایگزین ارعابی تنبیهی صرف نماییم تا در آینده که این دانشجویان لباس فاخر قضاوت و وکالت را به تن می‌نمایند، به‌دوراز هرگونه اندیشه‌های مستبد و کیفر‌گرا درصدد اصلاح و درمان مجرمین در راستای حفظ حقوق شهروندان و احترام به آزادی‌های مشروع برآیند. بر این اساس به جرات می‌توان گفت اگر آموزش نیمی از حقوق کیفری به بررسی جرائم و ارکان تشکیل‌دهنده آنها و مسؤولیت کیفری مرتکب اختصاص می‌یابد، تعیین کیفر بر اساس

<sup>53</sup> Social Apathy

<sup>54</sup> داود خاکسار، حسین غلامی، سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس (مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۱، نیمسال اول ۱۳۹۷)، ۱۵۴.

قانون و اصول حاکم بر آن نیمه دیگر آن است که اهمیتی کمتر از نیمه نخست ندارد. در آموزش حقوق کیفری ایران بیشتر بر نیمه نخست آن تمرکز و تأکید شده است. آنچه مهم تلقی شده این است که دانشجوی حقوق با انواع مهم‌ترین جرم‌ها و ارکان آنها آشنا شود و بحث جرائم بیشتر مطرح شده است تا کیفرها. این امر که چه عامل‌هایی بر کیفردهی اثرگذارند به شکل نظام وار آموزش داده نمی‌شوند.<sup>۵۵</sup>

## ۲-۱-۲ تخدیش اصل استقلال قاضی

استقلال قضایی<sup>۵۶</sup> بدین معنی است که دادرسی در صدور رأی، قانون را ملاک قرار داده و هیچ مقامی اعم از نمایندگان مجلس، رئیس‌جمهور و حتی رئیس قوه قضاییه یا سایر مراجع قضایی حق اعمال محدودیت و فشار مستقیم یا غیرمستقیم بر دادرسی و صدور حکم نداشته باشند. همچنین بعد دیگر استقلال قاضی ایجاب می‌کند، تحت تأثیر افکار عمومی قرار نگرفته و در برابر آن تا زمانی که بر مبنای معیاری قانونی شکل نگرفته است مستقل عمل نماید<sup>۵۷</sup>. با این حال، در برخی موارد میزان توجه و حساسیت مردم نسبت به واکنش‌های عدالت کیفری سبب می‌شود تحت تأثیر رویکردهای عوام‌گرا، با توجیه اقناع هرچه سریع‌تر افکار عمومی، اصل استقلال قضایی مخدوش گردد. حال آنکه هرچند رسیدگی به یک پرونده ممکن است سبب برانگیختن مباحثات عمومی و رسانه‌ای شود اما دادرسی عادلانه اقتضای آن را دارد که قاضی بدون در نظر گرفتن فضای احساسی و نگران حاکم بر جامعه و فارغ از هرگونه نفوذ و فرار مسئولین قضایی و غیرقضایی، اقدام به صدور حکم نماید<sup>۵۸</sup>. بر این اساس افکار عمومی یک متغیر مهم در شکل‌دهی واکنش به جرم و بی‌نظمی است. در واقع برخی استدلال می‌کنند که از سال ۱۹۹۰ به بعد، افکار عمومی درباره قانون و نظم، نفوذ گسترده‌ای روی سیاست کیفری و به‌ویژه میزان مجازات داشته است. افکار عمومی ممکن است از راه انتخابات، نظرسنجی‌های عمومی، گروه‌های هدف و گاهی با فشارهای مستقیم وارد شده بر قاضیان بیان شود.

---

<sup>۵۵</sup> فیروز محمودی جانکی، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری (دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲)، ۶۶۷.

<sup>۵۶</sup> The Independence of Judges

<sup>۵۷</sup> محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری (جلد چهارم، قم: نشر اشراق، ۱۳۷۹)، ۱۲۴.

<sup>۵۸</sup> حسین حسینی، لیدا اسمعیل زاده، جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی (فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴)، ۲۳۳.

قاضیان، پیوسته از مردم ناراضی جامعه نامه‌هایی را دریافت می‌کنند که حاوی شکایت آنان درباره مجازات است، بیشتر به خاطر اینکه میزان مجازات از سوی این مردم، خیلی کم تلقی می‌شود<sup>۵۹</sup>. بر این اساس، رواج عوام‌گرایی کیفری به نحو مستقیمی موجب تخدیش اصل استقلال قاضی، به ویژه با تأثیرگذاری بر نظر آنها در خصوص تمایل به استفاده از مجازات های جایگزین حبس در جرایم صورت پذیرفته در جامعه خواهد شد.

### ۳-۱-۲ غلبه دغدغه تأمین نظم و امنیت جامعه

سیاست اصلاح و بازپروری بزهکاران که توسط مکتب دفاع اجتماعی<sup>۶۰</sup> مطرح گردید، بعد از مدتی با انتقادات جدی روبرو گردید. از یک طرف نظام عدالت کیفری متهم به ملایمت و تساهل با بزهکاران گردید و از طرفی دیگر برنامه های اصلاحی و تربیتی که از ناحیه کنشگران نظام عدالت کیفری در راستای بازپروری بزهکاران<sup>۶۱</sup> صورت می‌گرفت، در عمل دارای نتیجه و بازخورد منطقی نبود و آمارها حکایت از عدم اصلاح بزهکاران داشت؛ زیرا بزهکار به جای بازگشت به آغوش جامعه، دستگاه عدالت کیفری را به سخره می‌گرفت و چون از قبل در خصوص اعمال مجازات همواره با نوعی هراس از مجازات شدن، در ارتکاب جرم تردید داشت، اینک با اعمال مجازات خفیف و نرم، اندک ترسی که از ارتکاب جرم داشت نیز در وی زدوده شد<sup>۶۲</sup>.

از سویی دیگر بقا و حفظ یک جامعه همواره در گرو امنیت و آرامش روحی و روانی شهروندان است و یک جامعه سالم نیازمند تضمین فضای امن زندگی است. معادلات اجتماعی و تعادل جامعه همواره تا جایی می‌تواند به سلامت خود ادامه دهد که یک رفتار مجرمانه این تعادل را به هم نزند. با ارتکاب جرم در بستر جامعه تضعیف توان و قوای حرکتی آن فراهم می‌گردد و هر اندازه که میزان افعال مجرمانه فزونی یابد، امنیت روانی جامعه تحلیل رفته و مقولات ترس از جرم<sup>۶۳</sup> و هراس اخلاقی در میان افراد انسانی گسترش پیدا خواهد کرد<sup>۶۴</sup>. بر این اساس به هر میزان که آمار جرائم رو به فزونی

<sup>۵۹</sup> سوزان استون، کریستین پیپر، کیفرشناسی نوین و سیاست های تازه (ترجمه فیروز محمودی جانکی و رسول عابد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۰)، ۱۸۵.

<sup>۶۰</sup> Social Defense school

<sup>۶۱</sup> Rehabilitation of the perpetrators

<sup>۶۲</sup> فاطمه قناد، مسعود اکبری، امنیت گرایی سیاست جنایی (فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶)، ۴۵.

<sup>۶۳</sup> Fear of crime

<sup>۶۴</sup> فاطمه قناد، مسعود اکبری، امنیت گرایی سیاست جنایی (فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶)، ۴۰.

نهد به همان مقدار از اعتماد مردمی و رضایت اجتماعی نسبت به دستگاه عدالت کیفری کاسته خواهد شد و به موازات آن ترس از جرم و بزه دیدگی در میان مردم افزایش خواهد یافت. لذا میان افزایش جرائم و ترس از جرم یک رابطه معقول وجود دارد که بر همین مبنا متولیان نظام عدالت کیفری معمولاً از رسانه‌ای کردن و انتشار آمار رسمی مربوط به افزایش جرائم هراس دارند.<sup>۶۵</sup>

تأمین امنیت اگر به‌عنوان هدف اولیه و والای سیاست جنایی پذیرفته شود لازم است که فرآیند اعمال و تحمیل کیفرها نیز متناسب با این موضوع اصلاح شوند و در این صورت دورنمای سیاست جنایی از اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکاران تبدیل به سزادهی و سرکوبی مجرمین خواهد شد که بر این اساس سیستم کنترل اجتماعی، چه در بُعد مداخله در وضعیت ماقبل جنایی به‌عنوان عملکرد کنشی پیشگیری از جرم و چه در بُعد واکنش کیفری و اعمال مجازات، بر مبنای عدم تسامح و تساهل در قبال رفتارهای مجرمانه و یا بعضاً منحرفانه تعریف و تبیین می‌گردد. نهادهایی چون تخفیف مجازات، تعلیق صدور حکم، آزادی مشروط و تعلیق و تعویق تعقیب تأسیساتی هستند که در صورت اعمال منجر به عدم اجرای کامل و تمام مجازات می‌گردند.

بنابراین باهدف تأمین کامل امنیت شهروندان، اهداف به‌کارگیری وسایل را توجیه خواهند کرد. آنچه در عوام‌گرایی کیفری پررنگ می‌شود این نکته است که جامعه در قبال بزهکاری تنهاست و باید به‌گونه‌ای، خود، از خویشتن حمایت کند. این ترس از بزهکاری درون جامعه‌ای از طرف فردی که دیگر در این جامعه «خود» شناخته نمی‌شود به عوام‌گرایی منجر می‌شود. درواقع جامعه احساس می‌کند که ویروسی وارد درونش شده است که باید به‌گونه‌ای خارج شود. اینجاست که خود را بزه دیده آن ویروس می‌پندارد و پدیده «خود بزه دیدگی»<sup>۶۶</sup> بروز می‌کند.<sup>۶۷</sup>

طرفداران مداخله مردم در سیاست‌گذاری کیفری بر این باورند که چون کارشناسان و نخبگان عدالت کیفری بزه دیدگی را تجربه نکرده‌اند، از پیامدهای زیان‌بار جرم آگاهی ندارند و از این‌رو نمی‌توانند به‌طور کامل مشکلات و دغدغه‌های بزه دیدگان را درک کنند. درحالی‌که عموم مردم و به‌طور خاص بزه دیدگان که با آثار جرم دست‌وپنجه نرم می‌کنند، با درک بهتر و واقعی‌تر پیامدهای جرم، می‌توانند نقش فعال‌تری در تدوین سیاست‌های مؤثر مبارزه با جرم داشته باشند. از این‌رو عوام‌گرایی کیفری به‌شدت از حرکت‌های توده‌ای و روش‌های مستقیم مداخله مردم در سیاست‌گذاری کیفری مانند

<sup>۶۵</sup> استفن فارال، جاناتان جکسون و امیلی گری، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر (ترجمه محمدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۴۴.

<sup>۶۶</sup> Phenomene de victimization de la societe

<sup>۶۷</sup> امین جعفری، اصغر احمدی، عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی (فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴)، ۷۸.



همه‌پرسی، تجمع، تظاهرات و راه‌اندازی کمپین حمایت می‌کند<sup>۶۸</sup>. در این راستا، اصلاح «سرکوبگری عوامانه یا مردم‌پسند»<sup>۶۹</sup> که از سوی باتمز<sup>۷۰</sup> ابداع شده، مورد توجه است. این اصطلاح اشاره به سرکوب‌گری روزافزون دولت‌هایی دارد که معتقدند این سیاست‌ها برای حمایت از مردم است و از آن برای توجیه افزایش مجازات استفاده می‌کنند<sup>۷۱</sup>. فلذا در راستای همین سیاست هاست که اغلب قضات نگاهی تساهل‌گرایانه در پس اعمال مجازات‌های جایگزین حبس دارند و به نوعی اعمال این مجازات‌ها را مخالف با تأمین نظم و امنیت جامعه و تجری مجرمین می‌دانند.

در پاسخ بدین نگرش نیاستی از نظر دور داشت که اگر بپذیریم که حقوق کیفری نظم‌دهنده روابط جمعی افراد بشر است این نظم دهی از طریق حاکمیت قانون امکان‌پذیر می‌باشد. حاکمیت قانون به این معناست که تنها نظام قضایی است که باید حل و فصل دهنده اختلافات و دعاوی باشد. نیروی انتظامی و پلیس به‌عنوان حامی افراد جامعه، تنها از بزه دیده، فردی که مورد ضرر و زیان واقع شده، حمایت می‌کند و درعین حال، احساسات جریحه‌دار دار شده جامعه، متهم و پس‌از آن محکوم را، بیش از آنچه که خطا کرده است، نباید سرزنش و سرکوب کند. این در حالی است که عوام‌گرایی تاب تحمل حاکمیت قانون را ندارد و می‌خواهد فراتر از آن و برای عبرت سایرین، بزهکار را تأدیپ کند، لذا اینجاست که ناامنی قضایی<sup>۷۲</sup> در پس فشارهای عوام‌گرایی سر برمی‌آورد. ناامنی قضایی شاید عمده تأثیر عوام‌گرایی در سیاست کیفری باشد که همه بازیگران این عرصه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دیگر سخن، ناامنی خود ابزاری سیاسی است، زیرا سیاست‌گذاران جنایی هدف ناامن کردن محیط برای بزهکاران را دنبال می‌کنند. باین حال این ناامنی نامحدود همه افراد چه بزهکار و چه غیر بزهکار را دربر می‌گیرد<sup>۷۳</sup>.

## ۲-۱-۴ افزایش سرعت همراه با کاهش کیفیت رسیدگی های کیفری

<sup>۶۸</sup> محمد فرجیها، محمدباقر مقدسی، پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی (دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)، ۱۳۹.

<sup>۶۹</sup> Populist punitiveness

<sup>۷۰</sup> Bottoms

<sup>۷۱</sup> سوزان استون، کریستین پیپر، کیفرشناسی نوین و سیاست‌های تازه، ترجمه فیروز محمودی جانکی و رسول عابد (فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۰)، ۱۷۳.

<sup>۷۲</sup> Insecure sociale

<sup>۷۳</sup> امین جعفری، اصغر احمدی، عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی (فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴)، ۸۰.

برخی از اندیشمندان علوم جنایی، به ویژه بکاریا<sup>۷۴</sup>، با کنار گذاشتن دیدگاه های شدت نگر نسبت به کیفر، آن را مناسب ترین راهکار برای کاهش میزان بزهکاری شناسایی کرده‌اند. به باور بکاریا، سرعت در فرآیند کیفری، به ویژه سرعت در اجرای کیفر باعث می‌شود که بزهکاران احتمالی و واقعی، نظام عدالت کیفری را نسبت به بزهکاری سختگیر تلقی کنند و در نتیجه بارگران کیفر و پیامدهای بزهکاری (تاندازه‌ای که امکان دارد) برای دیگران محسوس باشد، زیرا هر چه زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ دهی دستگاه عدالت کیفری کوتاه‌تر باشد، ربط دادن برخورد نظام عدالت کیفری با بزه واقع شده در ذهن شهروندان سریع‌تر انجام می‌پذیرد و سبب می‌شود که آنان فوراً یکی را علت و دیگری را معلول به شمار آورند<sup>۷۵</sup>.

بدین‌سان، از نظر او محاکمه سریع بزهکاران و سرعت بخشی به اجرای کیفر بر آنان، نقش بسزایی در کاهش میزان بزهکاری ایفا می‌کند. بدین ترتیب، تسریع در فرآیند کیفری بزهکاران احتمالی و واقعی را با نظام عدالت کیفری سریع و قاطع نسبت به بزهکاری آشنا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این نظام با کشف بزهکاری در کوتاه‌ترین زمان با مرتکبان رفتار مجرمانه برخورد می‌کند<sup>۷۶</sup>. در این راستا و اغلب تحت تأثیر افکار عمومی، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی، در برخورد با پرونده های ویژه یا شرایط و اوضاع و احوال خاص، دستورات یا دستورالعمل ها و بخشنامه هایی<sup>۷۷</sup> در خصوص سرعت در روند رسیدگی به پرونده ها صادر نموده‌اند.

هرچند پرهیز از اطاله دادرسی از حقوق اصلی متهم به شمار می‌رود اما در نقطه مقابل، اجتناب از شتابزدگی تحت تأثیر افکار عمومی نیز از حقوق بنیادین متهم و همچنین سایر طرف های دادرسی کیفری است. باین‌وجود در سیاست جنایی ایران، در پاره‌ای موارد دادگاه‌ها به‌سوی تسریع در روند رسیدگی هدایت‌شده‌اند تا بدین‌وسيله عزم جدی مسئولان سیاست جنایی در مقابله با جرایم اثبات و ارزش نقض شده حمایتی نمادین صورت گیرد. چنین راه‌کاری در غالب موارد به نادیده انگاشتن و

<sup>74</sup> Cesare Beccaria

<sup>۷۵</sup> سزار بکاریا، جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴)، ۹۶.

<sup>۷۶</sup> امیرحسین نیازپور، سرعت بخشی به فرآیند کیفری: سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری (مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۲، شماره ۲۸، ۱۳۸۹)، ۳۶۷.

<sup>۷۷</sup> از جمله این بخش نامه ها، نمونه هایی در جرائم مختلف به تفکیک عبارت اند از؛

- بخش نامه های شماره م/۱۶۰۷۹ مورخ ۱۳۶۹/۸/۷، م/۱۹۶۸۱ مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۰، م/۱۷۴/۱۴۹۰۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۴ در زمینه جرم تخریب

- بخش نامه های شماره ۵۳/۶۳/ب/ش مورخ ۱۳۶۳/۸/۲۲، م/۱۶۳۰۷ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۹، م/۱۶۶۷۱ مورخ ۱۳۷۴/۴/۳۱ در زمینه جرم سرقت

- بخش نامه های شماره ۱/۸۷/۱۲۹۹۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۹، م/۱۷۶/۱۲۷۴ مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۰ و م/۱۸۳/۱۴۸۰۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۴ در زمینه جرائم انتخاباتی ( به نقل از نیازپور، امیرحسین، منبع پیشین، ص ۳۷۶-۳۷۷).

یا تضييع حقوق اطراف دعوا به ویژه متهمين می انجامد؛ به عبارت دیگر، تسريع بیش از اندازه در فرآیند کیفری موج کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه گرایی و تحدید موازين دادرسی عادلانه خواهد شد که مسلماً در درازمدت ناکارآمدی نظام کیفری و بازنمایی منفی از عملکرد آن را به دنبال خواهد داشت<sup>۷۸</sup> از سوی دیگر در حیطة مجازات های جایگزین حبس نیز، این امر به نوبه خود موجبات عدم توجه و صرف وقت کافی از سوی قضات جهت تشکیل پرونده شخصیت کاربردی از متهم و شناسایی تعیین و انتخاب بهترین نوع از انواع مجازات های جایگزین حبس در راستای تأثیر بیشتر مجازات بر متهم را فراهم می آورد.

## ۲-۱-۵ عدم توجه به رعایت اصل فردی کردن مجازات ها

در بازپروری بزهکاران عمده کیفرهایی که بر بزهکار تحمیل می گردد، متناسب با شخصیت و میزان استعداد شخص در بازگشت مجدد به جامعه و توان وی در بازپروری<sup>۷۹</sup> و احترام مجدد به هنجارهای اجتماعی، تعیین می گردد که می تواند از مجازات سالب آزادی تا جزای نقدی و اقدامات تأمینی و تربیتی و جایگزین های کیفر حبس در نوسان باشد؛ چراکه هدف از اعمال کیفر اصلاح بزهکار است و هرگاه شخصیت بزهکار در نتیجه اعمال نوع خاصی از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی به بازپروری نائل آمد، اعمال نوعی دیگر از مجازات، هرچند که خفیف تر یا شدیدتر باشند، در دستور کار قرار نخواهد گرفت؛ چراکه باز اجتماعی<sup>۸۰</sup> که مدنظر بوده حاصل گردیده است<sup>۸۱</sup>.

در تقابل با این رویکردها، عوام گرایی کیفری تلاش می کند تا بسیاری از حقوق ویژه ای را که عدالت کیفری به زیان شهروندان قانون مدار جامعه به مجرمان اعطاء نموده بود، کاهش و یا حذف کند و در این راه به دیدگاه اکثریت مردم که ملایمت های دستگاه عدالت کیفری با مجرمان را بی عدالتی می دانند استناد می کند<sup>۸۲</sup>. علنی و رسانه ای شدن برخی از جرایم، موجب حساسیت، توجه و پیگیری

<sup>۷۸</sup> امیرحسن نیازپور، سرعت بخشی به فرآیند کیفری: سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری (مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۲، شماره ۲۸، ۱۳۸۹)، ۳۶۹.

<sup>۷۹</sup> Rehabilitation

<sup>۸۰</sup> Resocialize

<sup>۸۱</sup> Gwen Rabinson, Lian Crown, Offender Rehabilitation (first edition, new york: sage publication, 2009), 124.

<sup>۸۲</sup> R. Jones, Populist leniency, crime control and due process (Theoretical Criminology, 14(3), 2010), 337.

افکار عمومی به قضیه شده و همین موضوع سبب گرایش سیاست‌گذاران عوام‌گرا به راه‌کارهایی می‌شود که برخورد سریع و قاطع با مجرمان را در پی داشته باشد. این در حالی است که برداشت افکار عمومی از جرم و مجازات غالباً متأثر از اطلاعات ناکافی و گاه نادرست ارائه شده به مردم است.

بی‌اعتمادی نسبت به دستگاه قضایی و قضات و بسیج افکار عمومی و جهت‌دهی به آن در خصوص این موضوع، نظام قضایی را به پذیرش و دخالت نگرش‌های عامه‌پسند در تصمیم‌گیری قضایی در برخورد با متهمان و مجرمان وادار خواهد کرد، به‌ویژه زمانی که تصمیمات قضایی، وضعیتی را فراهم می‌کند که احتمالاً انتقادات عمومی را در پی داشته باشد؛ بنابراین نظام عدالت کیفری باید به اصول و قواعد حقوق کیفری پایبند باشد و با توسل به شیوه‌های علمی، به کارزار با مسئله معضل جرم و کنترل آن بپردازد تا به اعتماد واقعی و پایدار دست یابد و از نگرش‌های بدبینانه‌رهایی یابد.<sup>۸۳</sup>

## ۲-۲ سیاست کمی‌گرایی نظام قضایی

یکی از مفاهیمی که علی‌رغم بسترهای اقتصادی آن در مدیریت‌گرایی کیفری کاربردی زیاد یافته «کارایی»<sup>۸۴</sup> است. تعاریف و مفهوم‌سازی کارایی در گفتمان مدیریت و اقتصاد چندان متنوع و وسیع است که نمی‌توان شاخصی دقیق و ثابت را برای تعیین کارایی در سیستم کیفری برگزید و آن شاخص‌ها را در تعیین میزان کارایی یک نظام عدالت سنجید. از میان مفاهیم کارایی در اقتصاد و مدیریت، شاخص کارایی در تولید، به فضای قضاوت در پرونده‌های کیفری نزدیک تر می‌نماید، چراکه کارایی در این مفهوم، توصیفی از نسبت منابع موردنیاز برای تولید (در مورد دادگاه‌ها پرونده‌های مطروحه) در مقابل خروجی آن سیستم (در مورد دادگاه‌ها آرای صادره) می‌باشد. در این سیستم از مقایسه منابع به کاررفته و اخذ نتایج متفاوت در زمان واحد، میزان کارایی به دست می‌آید؛ بنابراین دادگاهی کیفری که در یک روز به پنج پرونده رسیدگی کرده باشد، در مقایسه با دادگاهی که در همین مدت به سه پرونده رسیدگی کرده است کارتر شمرده می‌شود. البته چه بسا در این محاسبه به دو عامل زیربنایی توجه شود. نخست آنکه ممکن است در یک نظام عدالت کیفری، شاخص تعیین میزان کارایی، کاهش میزان منابع موردنیاز برای پردازش همان تعداد پرونده در زمان گذشته باشد؛ برای مثال، منابع انسانی و مالی کمتری برای همان تعداد پرونده‌ای که سابقاً رسیدگی می‌شده است به کار رود. شاخص دیگر افزایش میزان پرونده‌های مورد پردازش با همان منابع و امکانات سابق است. در این مفهوم کارایی و بهره‌وری می‌توانند معنایی یکسان داشته باشند و به‌جای یکدیگر

<sup>۸۳</sup> سعید قماش، انور احمدی، بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری (فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۷)، ۴۲.

<sup>۸۴</sup> Efficiency

استفاده شوند، یعنی زمانی سیستم کیفری به بهره بری می‌رسد که پرونده های بسته شده بیشتری داشته باشد. امروز شاخص دوم به دغدغه اصلی نظام های عدالت کیفری در حوزه مدیریت پرونده ها تبدیل شده است. تحقق این امر بسیار پیچیده است، زیرا بستگی به میزان کنترل متغیرهایی متعدد دارد که باعث افزایش کارایی می‌شوند.<sup>۸۵</sup>

بر این اساس آنچه به‌طور قطع می‌توان از آن سخن گفت این است که شاخص افزایش کارایی در نظام عدالت کیفری همواره برافزایش سرعت رسیدگی و پردازش تعداد بیشتری از پرونده های کیفری در مدت زمان معین و با صرف هزینه های کمتر است؛ بنابراین سنجه اصلی، آمار پرونده های بسته شده هر شعبه است؛ به عبارت دیگر، افزایش کارایی با شعار مقابله با اطاله دادرسی، دوباره کاری، اتلاف منابع و افزایش هزینه ها به عدالت کیفری راه یافت تا فرایند کیفری سرعت یابد و در بازه های زمانی معین پرونده های بیشتری رسیدگی شود و درنهایت، خروج از بحران های سیستمی محقق گردد.<sup>۸۶</sup> تأکید بیش از حد و اندازه مدیران قوه قضاییه بر آمار گرایی و جذب امتیازات سیستمی امروز بزرگترین تهدید قضایی کشور است. آمار بالای پرونده‌ها در محاکم که تعداد آن از سوی مسئولان حدود ۱۵ میلیون پرونده بیان شده است. در همین حال، تأکیدات سال‌های اخیر مسئولان عالی قضایی کشور بر تعیین تکلیف پرونده‌های مسن و افزایش سرعت در رسیدگی‌ها، نگرانی‌هایی را درباره کاهش دقت و توجه بیش از اندازه به «آمار» ایجاد می‌کند. این نگرانی نه تنها در میان ناظران بیرونی که در بین کارکنان دستگاه قضایی نیز وجود دارد. برای مثال چندی پیش یکی از قضات دادگستری با توجه به کثرت پرونده‌ها و الزام به ارائه آمار خاص در پایان هرماه، از آیات عظام علوی گرگانی<sup>۸۷</sup> درباره حکم قضاوت کردن در وضعیتی که کثرت پرونده‌های محوله، قاضی را به اشتباه بیندازد سؤال کرده بود.

---

<sup>۸۵</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری (آموزه های حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۳۶.

<sup>۸۶</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری (آموزه های حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۳۶.

۸۷. متن استفتاء و پاسخ آن، بدین شرح است؛ «بسمه تعالی حضرت آیت‌الله ... سلام‌علیکم سؤال اول. اگر قاضی بداند که در حالت گرسنگی یا خستگی و امثال این و یا در حالتی که برای قضاوت عجله دارد احتمال خطای او به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد و به عبارت دیگر علم اجمالی دارد که در این حالت‌ها نسبت به حالت عادی در تعداد بیشتری از پرونده‌ها دچار خطا می‌شود آیا قضاوت کردن در این حالت‌ها شرعاً مکروه است یا حرام؟ (لازم به ذکر است که عجله در قضاوت مثلاً درجایی است که به قاضی تکلیف می‌شود که در یک بازه زمانی فرضاً یک‌ماهه باید تعدادی معینی پرونده را به سرانجام برساند درحالی که این تعداد بیش‌ازحد استاندارد است که یک قاضی می‌تواند با دقت و تأمل رسیدگی کند لذا قاضی برای حصول نتیجه در رسیدگی عجله می‌کند)

آمارگرایی در سیستم قضایی کشور، به نوبه خود تبعات و آثار چندی نیز دارد. یکی از مهم‌ترین تبعات، کاهش دقت و کیفیت کار در رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشد. سرعت به پایان رساندن و رقابت در مثبت شدن آمار ماهیانه در شعب و محاکم قضایی موجب گردیده است که قضات رسیدگی‌ها را سریع و بعضاً بدون ورود به بررسی‌های کارشناسانه جوانب و با نگاه سطحی به ادله اثباتی و دفاعیات و اظهارات طرفین به سرانجام برسانند. اثر منفی دیگر این امر، کاهش چشمگیر کیفیت آرا قضات از جهت استدلال و استنادات متنی آرا صادره می‌باشد. علیرغم آنکه امروز به مراتب بیش از پیش قضات باسواد و عالم در دستگاه قضایی در حال انجام خدمت هستند ولی به دلیل تأکید بر مثبت شدن آمار ماهیانه و سالیانه و سنجش عملکرد آماری شاهد مفید و مختصر نویسی آراء هستیم که بعضاً عالمانه نویسی و حقوقی بودن متن نگارشی آراء را هدف قرار داده است.

تأکید بر افزایش خروجی‌ها، مختومه محوری و آمارگرایی که بارزترین نمادهای کارایی‌اند، هرچند در ظاهر منجر به افزایش تعداد پرونده‌های بسته شده است، افزایش دقت و کیفیت در رسیدگی‌های قضایی را به دست نداده است.<sup>۸۸</sup> با تأکید بر مدیریت‌گرایی، فرایند کیفری فرایندی غربالی است که افزایش آمار خروجی‌ها و پرونده‌های بسته شده، شاخص موفقیت آن ارزیابی می‌شود.<sup>۸۹</sup>

از سویی دیگر، آمارگرایی به نحو مستقیم موجبات کاهش تأثیر یافته‌های علوم جنایی و جرم‌شناسی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست جنایی قضایی را فراهم می‌آورد. هرچند امروز با صدور قوانین اخیر التصویب شاهد رشد نگاه اصلاحی و باز اجتماعی شدن متهمان و مجرمین از جمله مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست قضایی قوه قضاییه هستیم و لیکن تکیه بیش از حد بر آمار گرایی‌ها، متأسفانه شاهد کم شدن میزان تأثیر یافته‌های علوم جرم‌شناسی و کاهش تأثیر خروجی‌های علمی جرم‌شناسی در تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری‌ها و در نتیجه سیاست جنایی قضایی بوده‌ایم و این موضوع غیرقابل‌انکار است که امروز سیاست‌های تقنینی و قضایی بر همین منوال و مدار برگزار

---

سؤال دوم. آیا تشویق، دعوت یا امر کردن دیگران (فرضاً هزاران نفر) به انجام یک عمل مکروه حرام است یا خیر؟ پاسخ استفتاء:

۱. اگر علم او به‌گونه‌ای باشد که بداند در میان پرونده‌های متعدد تعداد زیادی را اشتباه قضاوت خواهد کرد قضاوت در حال خستگی حرام خواهد بود ولی اگر بداند که در میان تعداد زیادی پرونده مقدار کمی را اشتباه می‌کند و پرونده‌ها هم زیاد باشد حرمت ثابت نیست.

۲. اگر تکلیف به انجام تعداد خاصی پرونده در یک بازه زمانی طبیعی و عقلایی باشد مانعی ندارد و الا اگر امر بداند که قاضی دچار اشتباه زیاد می‌شود و این اشتباه مستند به امر است دعوت او شرعاً حرام خواهد بود.»

<sup>۸۸</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری (آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۳۰.

<sup>89</sup> Herbert Packer, Two Models of the Criminal Process (Stanford University Press, 1968), 5.

می‌گردد. از بعدی دیگر، تکیه بر آمارگرایی به نحو غیرمستقیم موجبات کاهش انگیزه های علمی، پژوهشی و تحقیقی در قضات را فراهم خواهد آورد. بدلیل عدم توجه به آیت‌های علمی و پژوهشی که خود برای جامعه علمی حقوقی کشور بسیار آفت بزرگی قلمداد می‌شود و در آینده بهره علمی و روند رشد علمی حقوق را مورد مخاطره قرار خواهد داد و دیگر شاهد رشد اساتید برجسته حقوقی از دامن عدلیه نخواهیم بود، چراکه خواسته مدیران قضایی از ایشان کیفیت و عالمانه بودن رسیدگی‌ها و آراء نبوده و امروز خواسته اصلی از قضات و محاکم آمارهای مثبت ماهیانه و سالیانه است.

### ۳ فرصت‌های مطرح در بستر مدیریت‌گرایی کیفری در تمایل سیاست جنایی قضایی کشور به مجازات‌های جایگزین حبس

علی‌رغم تمامی چالش‌های ایجاد شده در حیطه‌گرایی سیاست جنایی قضایی کشور به مجازات‌های جایگزین حبس در بستر نظام مدیریت‌گرایی کیفری، با نگاهی مثبت‌اندیشانه، می‌توان زمینه فرصت‌هایی را یافت که در راستای‌گرایی حداکثری قضات به استفاده از این مجازات‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. از جمله این زمینه‌ها می‌توان به کاربرد ظرفیت‌های عدالت‌ترمیمی، مشارکت مردمی در مجموعه نظام پاسخ‌دهی به مجازات‌ها با تکیه بر انواع مجازات‌های جایگزین و استفاده از ظرفیت مثبت رسانه‌ها در این مسیر اشاره نمود.

#### ۳-۱ کاربرد ظرفیت‌های عدالت‌ترمیمی

عدالت‌ترمیمی<sup>۹۰</sup>، فرایندی است که به وسیله آن همه طرفین دارای نقشی در یک جرم خاص، برای چگونگی برخورد با عواقب بعدی جرم و الزامات آن در آینده، با مشارکت یکدیگر به راه‌حلی جمعی می‌رسند<sup>۹۱</sup>. یکی از ابزارهای نظام عدالت کیفری در راستای اهدافش، مقوله میانجی‌گری کیفری<sup>۹۲</sup> است.

میانجی‌گری کیفری به معنای وساطت شخص ثالثی بین بزه‌دیده و بزه‌کار به عنوان اشخاص درگیر در دعوی و اختلاف کیفری به منظور به توافق رساندن، سازش یا مصالحه دادن آنها با هدف احیای هماهنگی و سپس ترمیم خسارات وارده بر بزه‌دیده می‌باشد که عمدتاً طی نشست بین طرفین انجام می‌شود. این شیوه می‌تواند در هر زمانی در طول فرایند عدالت کیفری و تحت نظارت مقام‌های

<sup>90</sup> Restorative justice

<sup>91</sup> Van Ness- Daniel, W, Restorative justice around the World, (paper for United Nations crime congress Ancillary meeting, Vienna, Austria, 2000), 2 .

<sup>92</sup> The Penal Mediation

قضایی و یا خارج از این نظام و مستقل از آن به صورت کاملاً مردمی به وقوع بپیوندد.<sup>۹۳</sup> سیاست های ناظر بر افزایش کارایی یعنی همان نظام مدیریت گرای کیفری، این قابلیت را دارد که به شدت بر ماهیت قضاوت تأثیر گذارد؛ به عبارت دیگر، در ادبیات مدیریت گرای، «قضاوت» ضرورتاً مقارن با کشف حقیقت نیست بلکه به طور ساده به معنای خاتمه دادن به پرونده کیفری<sup>۹۴</sup> است. در چنین الگویی، توافق طرفین و هدایت پرونده به سوی سازوکارهای سازش و میانجی گری در جرایم قابل گذشت، بایگانی یا تعلیق تعقیب در مرحله دادسرا و کنترل قضات و مدیران در دادرسی به منظور تسریع در تصمیم گیری نهایی از جمله سازوکارهایی است که احتمال صدور احکام بر مبنای حقیقت را کاهش می دهند.<sup>۹۵</sup>

### ۲-۳ مشارکت مردمی در مجموعه نظام پاسخ‌دهی به مجازات‌ها با تکیه بر انواع مجازات‌های جایگزین

در ادامه شروع سیاست حبس زدایی در کشورها، ابتدا جایگزین‌هایی تحت عنوان «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه مدت» مطرح و وارد قلمرو نظام کیفری شد و حبس‌های کوتاه مدت را از فهرست کیفرهای قانونی در بیشتر کشورها حذف نمود زیرا که فساد آنها بیشتر بود. در گام بعدی جایگزین‌های مذکور به تدریج توسعه یافت و به صورت مجازات‌های اجباری یا اختیاری به قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شد. این مجازات‌ها به تدریج طیف گسترده‌ای از انواع مجازات‌های جایگزین‌های حبس از جمله آزادی مشروط، خدمات عام‌المنفعه، جریمه نقدی، جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت و ... را شامل می‌باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، مشارکت داوطلبانه مردم در بازپروری بزهکاران و اجرای مجازات‌های جایگزین نقش مؤثری دارد. امروزه نقش مردم و جامعه در بازپروری و اصلاح بزهکاران از اهمیتی برخوردار است که در کشورهایی مانند آمریکا، سخن از «اصلاح و بازپروری اجتماعی» به میان آمده است. این اصطلاح بر مشارکت مردم در تمامی برنامه‌های مربوط به این موضوع تأکید می‌کند و عمدتاً بر جایگاه تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین در مسیر رسیدن به این هدف، تکیه دارد که با کمک و مشارکت مردم به انجام می‌رسد. برنامه‌های اصلاح و تربیت بزهکاران مبتنی بر اجتماع، تأثیر زیادی در جلوگیری از تکرار جرم بزهکاران و تأمین سلامت و امنیت جامعه خواهد داشت و بی‌تردید با غلبه بر تمامی چالش‌های

<sup>۹۳</sup> ولی رستمی، مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، (فصلنامه حقوق، شال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶)، ۱۰۵.

<sup>۹۴</sup> Termination of criminal case

<sup>۹۵</sup> راضیه قاسمی، محمد فرجیها، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری (شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ۵۰.



مطرح در این حوزه، درصد بالایی از بزهکاران تحت برنامه های نظارت اجتماعی مدیریت خواهند شد.<sup>۹۶</sup>

### ۳-۳ استفاده از ظرفیت مثبت رسانه ها

رسانه ها با داشتن ویژگی هایی نظیر سرعت انتشار پیام، گستره توزیع پیام، افزایش گیرایی و جذابیت پیام و نیاز نداشتن به صرف هزینه های زیاد، از قابلیت شایان توجهی برای نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار عمومی برخوردار هستند. تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جلب توجه آن، از اهداف رسانه ها است. رسانه ها از یک سو جزو فرآیندهایی هستند که فرهنگ از دل آن بیرون می آید و از سویی دیگر مجموعه ای از تفسیرها و تصاویر را می سازند که به موضوعات معنا می دهد و برداشت های عموم از واقعیت را شکل می دهند. رسانه ها به مردم می گویند در مورد چه موضوعی، چگونه و با شدتی بیندیشند و حتی گاهی می گویند چه واکنشی نشان دهند. رسانه ها دو نقش اساسی در افکار عمومی دارند: اول اینکه با محتوایی که ارائه می دهند تصاویر ذهنی و برداشت ها از مسائل را شکل می دهند و دوم اینکه با منعکس کردن پاسخ های مردم به برخی پرسش ها از طریق مصاحبه های مردمی، تماس های تلفنی و یا...، نقش نظرسنجی را به خود اختصاص می دهند. این دو نقش مکمل یکدیگرند.<sup>۹۷</sup>

هرچند بیشتر رسانه ها مدعی اند که استقلال دارند و وامدار احزاب سیاسی نیستند و آنچه را که بیان می کنند بازتاب دیدگاه های مردم است، با این حال به ندرت می توان رسانه ای را یافت که جهت گیری سیاسی و ایدئولوژی مشخصی نداشته باشد. رسانه های دولتی معمولاً دیدگاه های رسمی دولت را بیان می کنند. رسانه های حزبی و سیاسی نیز دیدگاه های موافق اندیشه سیاسی حزب خود را در اولویت قرار می دهند. هرچند ممکن است رسانه های گروهی در بیشتر مواقع، در بیان اینکه مردم چگونه فکر می کنند ناموفق باشند، ولی باین حال، در القای این امر به مخاطبان خود که در مورد چه چیزی باید فکر کنند موفق هستند. علاوه بر این، رسانه ها از طریق ارائه تصویری نادرست

---

<sup>۹۶</sup>Johan Petersilia, Community Corrections, First Published, Newyork (Oxford University Press, 1998), 18-19.

<sup>۹۷</sup>علیرضا میرکمالی، نازنین حاجی زاده، کارکرد ها و چالش های رسانه در حیطه مدیریت جمعیت کیفری (دانشنامه مدیریت جمعیت کیفری؛ مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری؛ نظریه و رویه، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹)، ۲۵۰.

و غیرواقعی از گسترش میزان جرم، بسترهای حمایت عمومی از سیاست های سزاگرایانه را فراهم می‌آورند.<sup>۹۸</sup> رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ای خاص حساس کنند و یا عکس از حادثه‌ای مهم، خبری خنثی و کم اهمیت بسازند. به این ترتیب رسانه‌ها از یک سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزه‌کاری و تشویق افراد مستعد ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم می‌توانند در کاهش وقوع جرائم و تأمین احساس امنیت مؤثر باشند.<sup>۹۹</sup> رسانه‌ها با فرهنگ سازی مناسب و بسط و گسترش روحیه گذشت و صلح و سازش و بازدارندگی و. در روابط طرفین، می‌توانند در جلوگیری از تورم کیفری و کاهش جمعیت کیفری سهم به سزایی داشته باشند. در بعد قضایی و تأثیر بر قضات دادگاه‌های کیفری، رسانه‌ها ظرفیت تأثیرگذاری بر ذهنیت قضات در خصوص استفاده حداکثری از اصول و جلوه‌های عدالت ترمیمی در روابط بین شاکی و مجرم و همچنین استفاده حداکثری از مجازات‌های جایگزین حبس در صدور آرا را با تأمین و ساخت برنامه‌های متنوع و اطلاع‌رسانی مناسب دارند.

### نتیجه‌گیری:

در سال‌های اخیر نگرش تازه‌ای تحت عنوان مدیریت گرای کیفری در حوزه علوم جنایی در نظام عدالت کیفری کشور ما رواج یافته است که ماهیتی کاملاً مدیریتی دارد و رویکردهای کم هزینه و زود بازده را جایگزین رویکردهای هزینه بر و زمان بر و دیر بازده می‌نماید تا به زعم خود از منابع مادی و انسانی استفاده بهینه نماید و هم چنین با رویکردی مدیریتی، خطر ارتکاب جرم را همانند دیگر خطرهای حوزه اقتصادی، بیمه و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد و آنگاه مدیریت می‌کند و به تجزیه و تحلیل جرم و علل تحقق آن نمی‌پردازد و بر همین اساس می‌توان گفت که مدیریت گرای کیفری عبارت است از افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های ناشی از رسیدگی کیفری و نهایتاً حرکت به سمت تمرکززدایی، خصوصی‌سازی، پردازش محوری و افزایش اثربخشی. بر این اساس به نظر منتقدین رویکرد مدیریت گرای کیفری یکی از ضررهای بالقوه مدیریت گرای خدشه‌جدی بر حق دادرسی عادلانه است چراکه اهداف اثربخشی، کارایی و صرفه‌جویی، نافی عدالت ماهوی است و در حوزه عدالت کیفری که هدف اصلی، مجازات مجرم و تبرئه بی‌گناه است افزایش کارایی

<sup>۹۸</sup> محمد فرجیها، محمدباقر مقدسی، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان، (مجله آموزه‌های حقوقی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، ۶.

<sup>۹۹</sup> محمد فرجیها، بازتاب رسانه‌ای جرم، (فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵)، ۵۸.

به هیچ عنوان هدف عالی این مجموعه تلقی نمی‌گردد. با این اوصاف، نظام مدیریت گرای کیفری دارای آثاری از جمله رواج پدیده عوام‌گرایی و حاکمیت سیاست کمی‌گرایی در قوه قضائیه بر سیاست جنایی قضایی کشور به خصوص در حیطه مجازات‌های جایگزین حبس می‌گردد. لازم به ذکر است رواج اندیشه‌های عوام‌گرا در سیاست جنایی قضایی، موجب بروز آثاری از قبیل غلبه تفکرات سخت‌گیرانه و حبس محور، تخدیش اصل استقلال قاضی، غلبه دغدغه تأمین نظم و امنیت جامعه، افزایش سرعت رسیدگی همراه با کاهش کیفیت رسیدگی‌های کیفری، عدم عنایت ویژه به اصل فردی کردن مجازات‌ها شده است و همچنین حاکمیت سیاست کمی‌گرایی در قوه قضائیه (آمارگرایی در سیستم قضایی کشور) موجب بروز آثاری از قبیل کاهش دقت و کیفیت کار در رسیدگی به پرونده‌ها به جهت سرعت در به پایان رسانیدن پرونده‌ها و رقابت در مثبت شدن آمار ماهیانه در شعب و محاکم قضایی، کاهش چشمگیر کیفیت آرا قضات از جهت استدلال و استنادات متنی آرا صادره، کاهش تأثیر یافته‌های علوم جنایی و جرم‌شناسی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست جنایی قضایی کشور و هم‌چنین کاهش انگیزه‌های علمی، پژوهشی و تحقیقی در قضات شده است که علی‌رغم تمامی چالش‌های ایجاد شده در حیطه گرایش سیاست جنایی قضایی کشور به مجازات‌های جایگزین حبس در بستر نظام مدیریت گرای کیفری، با نگاهی مثبت اندیشانه، می‌توان زمینه فرصت‌هایی را یافت که در راستای گرایش حداکثری قضات به استفاده از این مجازات‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. از جمله این زمینه‌ها می‌توان به کاربرت ظرفیت‌های عدالت‌ترمیمی، مشارکت مردمی در مجموعه نظام پاسخ‌دهی به مجازات‌ها با تکیه بر انواع مجازات‌های جایگزین و استفاده از ظرفیت مثبت رسانه‌ها در این مسیر اشاره نمود.

## فهرست منابع

### الف: منابع فارسی

- ابول اسال، ژان، جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۹.
- استون و پیپر، سوزان و کریستین، کیفرشناسی نوین و سیاست‌های تازه، ترجمه فیروز محمودی جانکی و رسول عابد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۰.
- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، جلد چهارم، قم: نشر اشراق، ۱۳۷۹.
- بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- جعفری و احمدی، امین و اصغر، عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست محیطی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴.
- وی. رابرتز، جولیان و دیگران، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی؛ درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه زینب باقری نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیبه هژبر الساداتی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.

- حسینی و اسمعیل زاده، حسین و لیدا، جنبه های عوام گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴.
- مهرا، نسربین، کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری در انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵۰، ۱۳۸۶.
- محمودی جانکی، فیروز، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲.
- میرکمالی و حاجی زاده، علیرضا و نازنین، کارکرد ها و چالش های رسانه در حیطه مدیریت جمعیت کیفری (دانشنامه مدیریت جمعیت کیفری؛ مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری؛ نظریه و رویه)، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹.
- میرخلیلی، سید محمود و دیگران، «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان ها»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۶.
- مقدسی و فرجیها، محمدباقر و محمد، رویکرد عوام گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۰
- مختاری، علیرضا، سنجش اهداف واکنش جزایی در دادگاه های اصفهان و شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷.
- نیازپور، امیرحسن، سرعت بخشی به فرآیند کیفری: سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۲، شماره ۲۸، ۱۳۸۹.
- فارال، استغن و جکسون، جانانان و گری، امیلی، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، ترجمه محمدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- فرجیها و مقدسی، محمد و محمدباقر، پاسخ های کیفری عوام گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- فرجیها و مقدسی، محمد و محمدباقر، رویکرد عوام گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان، مجله آموزه های حقوقی (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- فرجیها، محمد، بازتاب رسانه ای جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
- قاسمی و فرجیها، راضیه و محمد، چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت گرای کیفری، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- قماش، احمدی، سعید، انور، بسترهای پیدایش عوام گرایی در دادرسی کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۷.
- قناد و اکبری، فاطمه و مسعود، امنیت گرای سیاست جنایی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶.
- ریاحی، جواد، مبانی مجازات های اجتماعی با رویکرد به سیاست کیفری اسلام، رساله دکتری، تهران: پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- رستمی، ولی مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، فصلنامه حقوق، شال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- خاکسار و غلامی، داود و حسین، سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات های جایگزین حبس، مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۱، نیمسال اول ۱۳۹۷.
- خزائی، منوچهر، فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
- غلامی، حسین، تکرا جرم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- پاک نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸.

- بیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- پرت، جان، عوام گرایی کیفری، بسترها، عوامل و آثار، برگردان هانیبه هژبرالساداتی، تهران: میزان، ۱۳۹۲.

#### ب: منابع خارجی

- Bottoms, A. E. The philosophy and politics of punishment and sentencing. In: Clarkson, C. and Morgan, R. (Eds). The politics of sentencing reform. Oxford: Clarendon Press, 1995.
- Brown, Darryl K, The reverse effects of efficiency in criminal process, Virginia Law Review, Vol. 100 No.183.2014.
- Delmas Marty, Mireille. Mode\les. Et Mouvements de Politique. Criminella. Economica, 1983.
- Jones, R. Populist leniency, crime control and due process. Theoretical Criminology, 14(3), 2010.
- McLaughlin, Eugene and Muncie, John, The Sage Dictionary of Criminology, Sage Publications, 2001.
- Packer, Herbert, Two Models of the Criminal Process, Stanford University Press, 1968.
- Petersilia, Johan, Community Corrections, First Published, Newyork. Oxford University Press, 1998.
- Pfeiffer, C. Windzio, M. and Kleimann, M. Media use and its impacts on crime perception, sentencing attitudes and crime policy, European Journal of Criminology, 2(3), 2005.
- Prrat, J. Penal Populism. London, Routledge, 2007.
- Rabinson, Gwen & Crown, Lian, Offender Rehabilitation, first edition, new york: sage publication, 2009.
- Rosenberger, J. S. and Callanan, V. J. The influence of media on penal attitudes. Criminal Justice Review, 36(4), 2011.
- Van Ness- Daniel, W, Restorative justice around the World, paper for United Nations crime congress Ancillary meeting, Vienna, Austria, 2000.
- [www.newspaper.hamshahri.org](http://www.newspaper.hamshahri.org)

The impact of criminal management on the country's criminal justice policy (with emphasis on alternatives to imprisonment); Challenges and opportunities

#### Abstract

most recently concepts such as criminal management have become popular in our country's criminal justice system. This term refers to methods that make the criminal justice system more efficient and useful and make it accountable to the public by making optimal use of material and human resources. Among the solutions and results of using this system is the prevalence of quantitative politics in the judiciary as well as the phenomenon of criminal populism. On the other hand, according to statistics, the number of prisoners in the country in 1396 was 289,377, of which only about 33,032 people were sentenced to alternative imprisonment; Therefore, in the criminal justice policy of the country, only 8/5 of imprisonment sentences have been applied with alternatives to imprisonment, most of which are limited to alternative fines to imprisonment, and other alternatives to imprisonment have remained almost neglected. The main question raised is that what are the challenges and opportunities raised in the context of criminal managementism in the desire of the country's judicial criminal policy for alternative punishments of imprisonment? Therefore, in this research, using the descriptive-analytical method and data collection by examining library sources as well as judicial procedure, these cases have been investigated and analyzed, and the results of the research include: Determining the effects of penal managementism on the criminal justice policy of the country in the area of using alternative punishments of imprisonment, as well as explaining the challenges and dealing with the opportunities to overcome the existing challenges in this regard.

Keywords: Judicial criminal policy, management, criminal populism, statist.